



اولاً سال ۸۴ وقتی آقای احمدی نژاد دولت را تحویل گرفت، بر اساس آمار مرکز آمار، نرخ بیکاری بالای ۱۲ درصد بوده است. زمانی که ایشان دولت را در سال ۹۲ تحویل می‌دهد، نرخ بیکاری ۱۰/۴ درصد بود. پس در ابتدا باید گفت نرخ بیکاری در دولت نهم و دهم که همزمان با سرازیر شدن جمعیت جوان به بازار کار بود، کاهش پیدا کرد

ادعای نادرست روحانی درباره اشتغال صفر در دولت احمدی نژاد

چطور در طول هشت سال دولت‌های نهم و دهم با رشد بدون نفت ۴۶ و با نفت ۲۹ درصدی (کل دوره)، به طور خالص هیچ شغل جدیدی در اقتصاد ایجاد نشد، اما در طول سه سال فعالیت دولت یازدهم که رشد بدون نفت ۱/۶ و رشد با نفت تنها یک درصد بود، ۱/۲ میلیون شغل ایجاد شد!

کتاب

ادعای اشتغالزایی میلیونی در دولت روحانی

روحانی در دیدار ماه رمضان کارگزاران نظام با رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۵، آماری را ارائه کردند مبنی بر این که در هشت سال دولت‌های نهم و دهم تقریباً شغل خالصی ایجاد نشده و در آن جلسه ادعا شد که در دوره سه ساله فعالیت دولت یازدهم، یک میلیون و دویست هزار شغل به طور خالص ایجاد شده است. ادعای اشتغال خالص صفر نیز در هشت سال دولت‌های نهم و دهم که مشخص شد بی پایه بوده است. اما بد نیست ادعای ایجاد اشتغال یک میلیون و دویست هزار نفری در دولت یازدهم نیز با آمار رسمی سنجیده شود. اگر معیار مقایسه را اسفند ۱۳۹۴ و اسفند ۱۳۹۱ قرار دهیم، میزان اشتغال خالص طی این بازه ۶۵۸ هزار نفر بوده است. البته چنانچه معیار را پایان بهار ۱۳۹۲ (آغاز فعالیت دولت یازدهم) و بهار ۱۳۹۴ در نظر بگیریم، اشتغال خالص به میزان منفی ۳۱۷ هزار نفر بوده است. به علاوه این که در سه فصل از سال ۱۳۹۳ نیز اشتغال خالص نسبت به فصل‌های مشابه سال ۱۳۹۲، منفی بوده است. بنابراین ادعای ایجاد یک میلیون و دویست هزار شغل در دولت یازدهم نیز معتبر نیست.

گزارش

«ایران اقتصادی» در مدت اخیر، جلد نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران که به مسائل و تحولات اقتصادی کشور در سال‌های فعالیت دولت نهم و دهم می‌پردازد را در دستور بررسی خود قرار داد. در قالب این کتاب، سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت محمود احمدی نژاد، به برخی مسائل، تصمیمات، حواشی و ابهامات پیش آمده در آن سال‌ها پاسخ گفته است. در شماره امروز، حسینی مباحثی را درباره آمارهای اشتغالزایی در دولت احمدی نژاد مطرح کرد و درباره بعضی ابهامات نیز توضیح داد.

● وقتی دولت دهم اعلام کرد، ۱/۵ میلیون شغل در مدت یک‌سال ایجاد کرده است، یکی از نمایندگان مجلس در مورد رابطه نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری نامه‌ای به محمود احمدی نژاد نوشت و گلابه‌هایی را خطاب به تیم اقتصادی دولت مطرح کرد. وی در نامه خود نوشته بود: «اگر شما ۱/۵ میلیون شغل ایجاد کرده‌اید پس نرخ رشد اقتصادی کشور باید ۱۵ درصد باشد».

چنین نامه‌ای را به یاد ندارم. اما باید بدانیم وقتی وارد ادبیات اقتصادی می‌شویم بحثی مطرح می‌شود که آیا همه رشد‌ها از یک سطح اشتغالزایی برخوردار هستند یا نه؟ به طور مثال اگر در بخش خدمات یا کشاورزی رشدی صورت بگیرد، اشتغالزایی آن بیشتر از بخش نفت و حتی صنعت است.

اگر رابطه بین رشد و تعداد مشاغل را بررسی کنیم، ترکیب بخشی رشد، بر میزان اشتغالزایی اثر می‌گذارد. به طور مثال مشاغل کوچک ضریب اشتغالزایی بیشتری نسبت به صنایع بزرگ دارند. مثلاً با ایجاد یک پتروشیمی می‌توان یک میلیارد دلار تولید سالانه داشت در حالی که شاید تعداد اشتغالزایی آن کمتر از ۵۰۰ نفر باشد. اما ممکن است با انجام همین سرمایه‌گذاری در بخش مسکن چندین برابر اشتغالزایی صورت بگیرد.

بر اساس علم اقتصاد، این بحث‌ها همان فعالیت‌های اقتصادی کاربری و سرمایه‌بر است. امروزه در دنیا بخصوص کشورهای جنوب شرق آسیا، روی پنگاه‌های کوچک و متوسط نگاه ویژه‌ای وجود دارد، چون «سرریز اجتماعی» اشتغالزایی این رویکرد از روی آوردن به صنایع بزرگ بیشتر است. این

بدان معنا نیست که باید صنایع بزرگ را به فراموشی سپرد، بلکه اگر نرخ رشد جمعیت یا ترکیب سنی و جمعیتی شما به گونه‌ای است که در مقطعی تقاضا برای شغل یا عرضه نیروی کار افزایش زیادی پیدا می‌کند، شما در کنار توجه به سطح رشد، باید به ترکیب بخشی رشد و فعالیت‌های اقتصادی توجه کرده و حتماً سیاست‌های مکمل اشتغالزایی را برای رشد دنبال کنید.

● درباره اشتغال، بحث اشتغال خالص مطرح بود که عده‌ای می‌گفتند اشتغال خالص در دولت قبل صفر بوده است.

اولاً سال ۸۴ وقتی آقای احمدی نژاد دولت را تحویل گرفت، بر اساس آمار مرکز آمار، نرخ بیکاری بالای ۱۲ درصد بوده است. زمانی که ایشان دولت را در سال ۹۲ تحویل می‌دهد، نرخ

بیکاری ۱۰/۴ درصد بود. پس در ابتدا باید گفت نرخ بیکاری در دولت نهم و دهم که همزمان با سرازیر شدن جمعیت جوان به بازار کار بود، کاهش پیدا کرد. در سال‌های اخیر یک شبهه‌ای در آمار اشتغال ایجاد شد که یک‌دفعه معیار آماری «اشتغال خالص» مبنای ارزیابی عملکرد دولت در اشتغالزایی و رفع بیکاری قرار گرفت. در همه دنیا تعاریف استاندارد در این خصوص وجود دارد. یعنی یک تعریف از شغل، اشتغال و بیکاری وجود دارد. جمعیت در سن اشتغال و جمعیت فعال تعریف می‌شود که جمعیت فعال اگر بر جمعیت در سن کار تقسیم شود، نرخ مشارکت به دست می‌آید، یعنی ممکن است افراد زیادی به صورت پتانسیلی در سن کار باشند ولی به فرض یک خانمی خانه‌دار است. خانم خانه‌دار نه در جمعیت بیکار و نه در جمعیت شاغل نمی‌آید، اصلاً اینکه اعلام می‌شود نرخ مشارکت کشور ۲۶ یا ۲۷ درصد است به این موضوع بازمی‌گردد.

درباره موضوع اشتغال خالص، یک ساده‌سازی شده است. یعنی میزان کل افراد شاغل در پایان هر فصل سال، نسبت به فصل مشابه سال‌های گذشته

سنجیده می‌شود. با محاسبه این رقم متوجه می‌شوید که مقدار آن در فصول مختلف (نسبت به فصل قبل و فصل مشابه سال قبل) تفاوت و نوسانات زیاد و بی‌پایه‌ای داشته که همین نوسان نشان می‌دهد این معیار نمی‌تواند مبنای ارزیابی عملکرد سیاستگذار قرار گیرد، چرا که ممکن است در دو فصل متوالی، دو وضعیت بسیار متفاوت را نشان دهد که تحلیلگر را با چالش مواجه می‌کند. نکته جالب این است، افرادی که این شاخص را برای دولت قبل بیان می‌کنند، برای دوره مسئولیت خودشان این آمار را در محاسبه در نظر نمی‌گیرند. مضاف بر این توضیحات، اگر ما جمعیت شاغل در پایان سال ۹۱ را در نظر بگیریم، رقم آن ۲۱ میلیون و ۱۵۹ هزار نفر است. این عدد در پایان سال ۸۳، حدود ۱۹ میلیون و ۶۰۲ هزار نفر بوده است. بنابراین طبق این معیار چیزی حدود یک میلیون و هفتصد و هشتاد و چهار هزار نفر به اشتغال خالص کشور اضافه شده است. به عبارت دیگر طی این هشت سال، به طور متوسط، سالانه حدود ۲۲۳ هزار نفر به جمعیت شاغل کشور افزوده شده است. این در حالی است که روحانی در دیدار ماه رمضان کارگزاران نظام با